

## بررسی کارایی کمک‌های مؤسسات بین‌المللی در سکتور معارف افغانستان طی سال‌های (۱۳۹۴-۱۳۹۷)

عبدالرازق رحیل<sup>۱</sup>

محمد هاشم شایان<sup>۲</sup>

### چکیده

کمک‌ها یکی از وسایل مهم تأمین مالی دولت‌ها بوده و بالای اقتصاد تأثیرات خود را وارد می‌کند و نقش مهم را در مصارف دولت‌ها خصوصاً برای انجام دادن پروژه‌های زیربنایی و انکشافی که دولت‌ها خواستار آن است، ایفا می‌کند؛ زیرا کمک‌ها در واقع همان پرداخت یک دولت مستقل به دولت دیگر و یا طبقه‌ای از یک کشور به طبقه کشور دیگر برای انعقاد پیمان نظامی یا انجام سایر خدمات مورد نظر کشور کمک کننده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی کارایی کمک‌های مؤسسات بین‌المللی در سکتور معارف طی سال‌های (۱۳۹۴-۱۳۹۷) است که این کمک‌ها در سکتور معارف به چه میزان مؤثر است و وجوهی که از مؤسسات بین‌المللی در اختیار معارف قرار داده شده، آیا به شکل کارا، هدفمند و مؤثر استفاده شده یا خیر؟ در این تحقیق از روش تحقیق اکتشافی تحلیلی استفاده شده است. در جمع‌آوری معلومات از دیتای دست‌دوم (کتاب، مقالات علمی و گزارش‌ها موجوده) و دیتای دست‌اول پرسشنامه و مصاحبه با کارمندان معارف، آمریت نظارت وزارت معارف و بخش یونسیف انجام و برای تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق از روش تجزیه و تحلیل کمی و کیفی و سافت ویر SPSS استفاده شده است. یافته‌های احتمالی این تحقیق نشان می‌دهد که این کمک‌ها در سکتور معارف افغانستان، طی سال‌های یاد شده، قناعت‌بخش نبوده؛ زیرا کمک‌ها در زمان مناسب و در جای مناسب به خاطر بهبود کیفیت تعلیم و تربیه به مصرف نرسیده است.

**کلیدواژه‌ها:** کمک‌های خارجی، کارایی، مؤسسات مالی بین‌المللی، سکتور معارف افغانستان

۱. گروه مدیریت دولتی، جامعه المصطفی العالمیه، کابل - افغانستان.

۲. گروه مدیریت، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، غزنی - افغانستان.

## مقدمه

کمک به مفهوم امروزی، بعد از دوران جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵م.) و طرح مارشال برای بازسازی اروپای غربی خلق شد. طرح مارشال یکی از مهم‌ترین طرح‌های اقتصادی امریکا بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷م. است که به نام طراح آن، جورج مارشال، وزیر امور خارجه امریکا در دوران ریاست جمهوری هاری ترومن نام‌گذاری شده که بعد از آن کشورهای ثروتمند، توجه خود را به طرف کشورهای جهان سوم معطوف ساخت. بعد از دهه ۶۰ مفهوم کمک شکل گسترده را به خود گرفت؛ اما بعد از این دهه، کشورهای محدودی در جهان توانستند با استفاده از کمک‌های کشورهای ثروتمند، به اتخاذ سیاست‌های معقول به یک مرحله جهش اقتصادی برسند. بعد از گذشت چند دهه هنوز هم بسیاری از کشورهای جهان سوم نتوانسته‌اند به این هدف نائل شوند. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و حضور جامعه بین‌المللی در افغانستان، موضوع کمک‌های مؤسسات بین‌المللی اهمیت زیادی پیدا کرد. چنانکه بعد از سال ۲۰۰۲م. افغانستان در محراق توجه جامعه جهانی قرار گرفت و پول‌های هنگفتی به نام کمک در افغانستان سرازیر شد. همه می‌فهمیم که با توجه به پایین بودن سطح درآمد، بودجه عادی و انکشافی دولت، کمک‌های بین‌المللی یکی از عمده‌ترین منابع تأمین بودجه افغانستان را تشکیل می‌دهد. بنابراین چگونگی مصرف کمک‌های مؤسسات بین‌المللی تأثیر زیادی در سطح زندگی تمام مردم افغانستان می‌تواند داشته باشد و در پروسه بازسازی و انکشاف، نقش تعیین‌کننده‌ای را خواهد داشت. با توجه به پیوند بین انکشاف اقتصادی و امنیت، کمک‌ها نیز می‌تواند تأثیری زیادی بر صلح و ثبات در کشور داشته باشد.

بنابراین می‌توان اذعان داشت که کمک‌ها یکی از وسایل مهم تأمین مالی دولت‌ها بوده، روی اقتصاد تأثیرات خود را وارد می‌کند و نقش مهم در مصارف دولت‌ها خصوصاً برای انجام دادن پروژه‌های زیربنایی و انکشافی ایفا می‌کند؛ زیرا کمک‌ها در واقع همان پرداخت یک دولت مستقل به دولت دیگر یا طبقه‌ای از یک کشور به طبقه کشور دیگر، برای اتحاد انعقاد و انجام سایر خدمات مورد نظر کشور کمک



کننده است. هرچند که افغانستان از منابع عایداتی فراوان برخوردار است و در کنار آن کمک‌های هنگفتی که طی چند دهه اخیر به دست آورده، متأسفانه از کارایی خوبی برخوردار نبوده است. بنابراین لازم است به خاطر کارایی کمک‌های بین‌المللی، تحقیقات بیشتری شود تا از یک طرف خلأها و چالش‌هایی که فراروی عدم تطبیق کمک‌های بین‌المللی وجود دارد، برملا و از سوی دیگر به خاطر کارایی کمک‌های بین‌المللی، راه‌های علمی و عملی در پرتوقوانین و مقررات نافذه، پیشنهاد گردد.

کمک‌های مؤسسات بین‌المللی (بانک جهانی، یونسف، یونسکو و آیسسکو) سکتور معارف را در محراق توجه قرار داد. مؤسسات متذکره از مدت‌های زیاد بدین سو، برنامه‌های مختلف سکتور معارف را مورد حمایت خویش قرار داده است. لذا می‌توان اذعان داشت که اعمار تعمیرات مکاتب، معاشات کارمندان، برنامه‌های تعلیمی و تحصیلی، بورسیه‌ها، حمایت شوراها، مکاتب، توزیع لوازم آموزشی برای شاگردان صنوف ابتدائی، دایر کردن ورکشاپ‌هایی برای آگاهی کارمندان وزارت معارف و سایر برنامه‌ها را در سکتور معارف تحت پوشش خویش قرار می‌دهند که در این تحقیق به بررسی کارایی کمک‌های متذکره پرداخته شده است و به اساس اطلاعات دست‌اول و دوم به تحلیل و تجزیه آن پرداخته شده است.

### ۱. ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

کمک‌های خارجی و مؤسسات بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم به‌مثابه یک پدیده اقتصادی و اجتماعی برای کشورها عرض وجود کرد. انتظارات که از بدو به وجود آمدن پدیده کمک‌های خارجی و مؤسسات بین‌المللی از آن‌ها می‌رفت، بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ، غلبه بر فقر، افزایش اشتغال، تأمین صلح و ثبات، تأمین عدالت اجتماعی، گسترش دموکراسی و جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست بود. در آغاز موفقیت‌هایی که از اثر این کمک‌ها به وجود آمد کشورها را به پیشرفت‌های سریع و آینده‌خوش‌بخت امیدوار ساخت، بر طبق طرح مارشال، امریکا به‌منظور احیای اقتصاد جهانی و جلوگیری از نفوذ و بسط کمونیسم ۲/۵ فیصد از تولید ناخالص ملی

خود را طی سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۵۱ م. صرف بازسازی اروپای غربی کرد. کمک‌های امریکا در چوکات پلان مارشال برای تسریع بازسازی ویرانه‌های جنگ جهانی دوم در اروپا غربی، حیاتی و اساسی بود. (لارسون، ۱۳۷۶)

امریکا با انگیزه‌های بشردوستانه و همچنین منافع اقتصادی و امنیتی به تکرار این موفقیت از طریق گسترش کمک‌های خارجی به کشورهای روبه‌انکشاف ترغیب شد و طرحی را مبنی بر ارائه کمک‌های تخنیکی، به منظور سرعت توسعه کشورهای روبه‌انکشاف، از طریق مؤسسه توسعه بین‌المللی که در سال ۱۹۶۰ م. در چوکات بانک جهانی تأسیس شد، پایه‌ریزی کرد. این مؤسسه برای فراهم کردن قرضه‌های بدون سود، برای تأمین مالی توسعه در فقیرترین کشورهای جهان تأسیس شده بود. در این میان بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه یا بانک جهانی توجه خود را از بازسازی اروپا به سوی انکشاف جهان سوم تغییر داد؛ زیرا فکر می‌شد که چون این کمک‌ها توانست اروپای ویران را در مدت کوتاه آباد سازد، می‌تواند در ممالک روبه‌انکشاف صدق کند؛ اما تجربه نشان داد که تنها تعداد کمی از ممالک روبه‌انکشاف، توانستند از این کمک‌ها نتایج مثبت بگیرند. در حالی که بعضی از کشورهای دیگر، نه تنها به این نتیجه نرسیدند، بلکه بار قرضه پرداخت اصل و سود قرضه، آن قدر زیاد شد که ۲۵ تا ۴۰ فیصد عاید صادراتی آن‌ها به تأدیه قرضه‌های سابقه مصرف شد. کمک‌هایی که از طریق بانک جهانی و مؤسسات مربوط به آن و صندوق وجهی بین‌المللی صورت می‌گرفت، گرچه شرایط سهل‌تر داشت؛ اما در واقع چون ممالک پیشرفته سهم‌دار اصلی این مؤسسات هستند، همان پالیسی نفع‌جویی شخصی خود را پیروی می‌کنند. حتی بعضاً در کمک‌های بین‌المللی، شرایط غیرعملی را از ممالک گیرنده آن تقاضا می‌کنند. (تزری، ۱۳۹۷: ۱۳۸)

دلیل دیگر کمک‌ها سیاسی است؛ یعنی از ممالک مدیون تغییر نظام سیاسی شان توقع می‌رفت که این تغییر در ظاهر به نام توسعه مؤسسات دموکراسی در ممالک روبه‌انکشاف و حمایت از حقوق بشر است. لذا حکومت که پالیسی جهانی حکومت کمک‌دهنده را پیروی کند، مستحق دریافت کمک بیشتر از آن کشورها



می‌شود. نمونه روشن آن کمک‌های سه ده اخیر شوروی سابق به حکومت افغانستان و کمک‌های امریکا و سایر کشورهای طرفدار امریکا به مجاهدین است. (تزری، ۱۳۹۷)

در کل می‌توان گفت این‌گونه نیست که کمک‌های خارجی و مؤسسات بین‌المللی هیچ کارایی نداشته است، بلکه در وضعیت اقتصادی و سیاسی که کشور ما قرار دارد، چاره‌ای جز اتکا به کمک‌های خارجی و مؤسسات بین‌المللی نبود. امکانات و منابعی را که از طریق کمک‌های خارجی به دست می‌آوریم، از هیچ راه دیگر نمی‌توان به دست آورد، ولی با در نظر داشت پیامدهایی که کمک‌ها دارند، نباید تا ابد به آن متکی بود و در مصرف آن سهل‌انگاری کرد. لذا نباید چنین تصور شود که گویا این کمک‌ها بلاعوض و سخاوتمندانه است و به هر شکلی که استفاده شوند، فرق نخواهد کرد. بلکه برعکس در بدل قیمت بسیار گزاف که عبارت از تهدید استقلال و محدود ساختن حق تعیین سرنوشت مردم ما است، پرداخته می‌شود. لذا باید سعی شود تا از آن استفاده مناسبی صورت گیرد تا با توجه به بهای بزرگی که در بدل آن می‌پردازیم، نتیجه مطلوب‌تری به دست آوریم و نیز تلاش شود تا کشورهای کمک‌دهنده را به این امر معتقد سازیم که مشروط بودن کمک‌ها، پروسه دموکراسی را تضعیف می‌کند و تحمیل شرایط، باعث می‌شود تا نتوانیم روی اولویت‌ها تمرکز کرده و کشور خود را از وضع نابسامانی موجود رها کنیم. شواهدی وجود دارد که کمک‌های بلاقید و شرط، تأثیرات قابل ملاحظه‌ای روی افزایش رشد اقتصادی و کاهش فقر داشته است؛ زیرا کشورهای روبه انکشاف در کنار توسعه اقتصادی می‌خواهند کمک‌ها را در راه کاهش فقر، بهبود وضع تعلیم و تربیه و صحت، کاهش آلودگی محیط زیست، تأمین عدالت اجتماعی و... به کار ببرند. بنابراین باید تلاش پیگیر شود تا افغانستان از جمله کشورهای باشد که از کمک‌های خارجی استفاده مؤثر کرده است. مانند کوریا جنوبی که در طول مراحل اساسی توسعه خود، کمک‌های خارجی نقش عمده ایفا کرده است و موجب رشد اقتصادی و کاهش فقر در آن کشور شده است، در حالی که کشورهای تانزانیا، سودان، زئیر، موزامبیک، نیجیریا، زامبیا و هائیتی با وجود وابستگی

شدید به کمک‌ها، نتوانستند نتایج سودمند و ملموسی بگیرند.

### ۱-۱. مفهوم، هدف و اهمیت کمک‌های مؤسسات بین‌المللی

کمک کلمه‌ای است که آن را مدد، یاری، دستیار، همراه معنا کرده‌اند و آن را مترادف با استعانت، اعانت، امداد و حامی، می‌دانند. به مفهوم عام کمک معاونت و مساعدت و هم‌نوایی با اشخاص نیازمند و بی‌بضاعت است. در علم اقتصاد از آن به‌عنوان مساعدت کردن یک مبلغ پول یا یک جنس که از طرف افراد سرمایه‌دار به اشخاص فقیر و نادار صورت می‌گیرد، تعریف شده است. به‌صورت جامع‌تر آن کمک‌ها پول و جنسی است که از طرف یک کشور، مؤسسه بین‌المللی یا کشورها به کشور دیگر صورت می‌گیرد. آنچه در زمره کمک قرار می‌گیرد، می‌تواند بسیار گسترده باشد؛ اما وقتی در روابط بین‌المللی صحبت از کمک می‌شود، منظور کمک خارجی است که یک دولت دریافت می‌کند که ممکن است اقتصادی، سیاسی، نظامی، تکنیکی یا حتی خدماتی باشد. (الهی، ۱۳۸۲)

برای کمک تعاریف متعددی ارائه شده است که در ذیل به آن می‌پردازیم: در کتاب مسائل اقتصادی کشورهای کم‌توسعه، کمک را از لحاظ اقتصادی چنین تعریف می‌کند: «از لحاظ اقتصادی می‌توان کمک‌های خارجی را به‌طوری کلی به‌منزله انتقال منابع واقعی یا مطالباتی از منابع واقعی کشور یا سازمان بین‌المللی به کشور دیگر تعریف کرد. در این صورت هر نوع کمک خارجی در تراز پرداخت‌ها، هم در کشور اعطاکننده و هم در کشور دریافت‌کننده، کمک منعکس می‌شود». (هانس، ۱۳۸۶)

تعریف سازمان ملل فقط کمک‌های اقتصادی را به‌عنوان کمک می‌پذیرد، ولی دولت‌های دهنده کمک، تقریباً هرگونه هزینه‌ای را که در کشور دیگر می‌نمایند، جدا از اهداف و زمینه این هزینه‌ها در حوزه کمک قرار می‌دهند. طبق تعریف سازمان ملل، کمک اقتصادی شامل کمک‌های بلاعوض و وام‌های درازمدت است که به‌منظور هزینه کردن در حوزه غیرنظامی به‌وسیله دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی، داده می‌شود. (الهی، ۱۳۸۲)



هرچند کشورهایی که دهنده کمک هستند به موارد فوق، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و اعتبارات صادراتی حتی را اگر برای کوتاه‌مدت باشد، نیز اضافه کرده و آن‌ها را جزو کمک‌های اقتصادی به حساب می‌آورند. هر دو گروه کمک‌های تکنیکی و کمک‌های اضطراری (مثل کمک غذایی در وقت قحطی و غیره) را جزو کمک می‌دانند. دولت‌ها سهامی را که آن‌ها در مؤسسات چندجانبه کمک دارند نیز جزو کمک می‌آورند.

مشکل که در تعریف بالا وجود دارد این است که وقتی وام‌ها را جزو کمک اقتصادی به حساب می‌آوریم، باید توجه کنیم که هرچند به هنگام اعطای وام، ممکن است ظاهراً در تراز پرداخت‌های خارجی کشور گیرنده بهبود حاصل شود، ولی از آنجا که بازپرداخت وام (اصل + فایده) دیر یا زود باید شروع شود، اثر منفی آن در تراز پرداخت‌های خارجی و در نتیجه کل اقتصاد کشور، قابل توجه خواهد بود. (الهی، ۱۳۸۲) در مواردی که وام‌های به‌صورت رشوه و تأمین هزینه‌های پرستیژی، تأمین هزینه کالاهای مصرفی، واردات، دستمزد متخصصین و مشاورین خارجی و اجرای طرح‌های افزایش دهنده مصرف و همین‌طور تأمین هزینه پروژه‌های ساختاری، نظیر ایجاد بندر و شبکه برق‌رسانی که به‌طور عام در جهت ایجاد امکانات افزایش واردات و سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌گیرد، تأثیر منفی بر اقتصاد کشور دریافت‌کننده وام دارد. (الهی، ۱۳۸۰)

مشکل دیگر تعاریف بالا آن است که وقتی همه این نوع فعالیت‌های اقتصادی را تحت عنوان کمک جمع‌بندی نماییم، سهم کشورهای دهنده، به نسبت درآمد ملی خیلی بیشتر از رقم واقعی نشان داده می‌شود. در حالی که در صورت حذف این موارد و تأکید بر کمک بلاعوض این سهم بسیار پایین می‌آید. مثلاً امریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین کمک‌دهنده در اوج رونق کمک‌های خارجی خود در دهه ۱۹۶۰م. فقط نیم درصد (۵/۰ درصد) از درآمد ملی خود را به این کار اختصاص می‌داد. جدا از کمک‌های مارشال و پس از آن، بخش مهم این کمک‌ها نیز به چند کشور معین داده می‌شد که امریکا از نظر نظامی منافع خاصی در آنجاها داشت. به‌طور نمونه در ماه

مارچ سال ۱۹۶۰م. دولت انگلستان در کتاب سفید خود راجع به کمک‌های انگلستان به کشورهای ماوراء بحار، مدعی است که مبلغ ۲۴۰ میلیون پوند استرلینگ یا برابر در صدر درآمد ملی را طی سال ۱۹۶۰-۱۹۵۹م. به صورت کمک‌های اقتصادی به این کشورها پرداخته است. (الهی، ۱۳۸۲)

البته ممکن است برخی مدعی شوند که هزینه‌های نظامی نیز به نوعی در اقتصاد کشور مؤثر است و همین طور منطبق حذف اعتبارات کوتاه مدت (وام‌های کوتاه مدت) را نیز رد کنند؛ زیرا همه این‌ها به نوعی در اقتصاد کشور گیرنده مؤثر است. مسئله مهم این است که هرچند این تأثیر غیرقابل انکار است؛ اما تأثیر آن در جهت توسعه اقتصادی، به مفهوم ایجاد تحرک مستمر و پیشرفت پایدار نیست، بلکه فقط در زمان انجام این هزینه‌ها ممکن است بخش کوچکی از جامعه از آن منتفع شود. به علاوه اغلب این هزینه‌ها در کشور کمک دهنده می‌شود. در بسیاری موارد حتی اثر معکوس در کشور گیرنده دارد؛ زیرا باعث ایجاد توقع جدید یا افزایش سطح توقعات در جامعه می‌شود که پس از قطع این نوع کمک‌ها، کشور باید سایر منابع را به این بخش منتقل کند. مانند ادامه تأمین هزینه نیروهای مسلح یک کشور. (الهی، ۱۳۸۲)

به علاوه سود تعیین شده برای کمک‌ها (درواقع وام‌ها) خود عامل خروج سرمایه از کشور گیرنده است. مثلاً بانک جهانی معمولاً در صد بیشتر از نرخ بازار بهره می‌گیرد، در سال ۱۹۶۰م. فایده‌ای برابر ۶ در صد سالیانه می‌گرفت و فقط برای پروژه‌های معینی وام می‌دهد که مطمئن باشد بازده کافی خواهد داشت و فایده و اصل وام قابل بازپرداخت باشد که البته در هر صورت دولت گیرنده وام مشمول بازپرداخت آن است، صرف نظر از سودآوری و یا زیان پروژه. بدین ترتیب آنچه مورد نظر بانک جهانی است سودآوری پروژه است نه مؤثر بودن در توسعه اقتصادی کشور گیرنده کمک. چنین موضوعی برای سرمایه‌گذاران خصوصی یا مؤسسات خصوصی سرمایه‌گذاری نیز صادق است. آن‌ها نرخ فایده بازار را طلب می‌کنند و بسیار دقت دارند که سودآوری و بازپرداخت‌ها مطمئن باشد. البته دولت‌ها همه





این‌ها را جزو کمک به حساب می‌آورند.

به علاوه با توجه به اینکه قرارداد کمک‌ها (وام‌ها) معمولاً دارای قیودی هستند که گیرنده را مجبور به خرید از کشور دهنده یا بازار موردنظر کشور دهنده می‌کند. به همین علت قیمت‌هایی که کشور گیرنده می‌پردازد، معمولاً بسیار بالاتر از قیمت همان کالا در بازار آزاد است. حال چگونگی می‌توان مدعی شد که این وام‌ها در زمره کمک اقتصادی است؟! به همین دلیل می‌توان گفت که این کمک‌ها نمی‌توانند در توسعه اقتصادی کشور گیرنده، مؤثر باشند. برعکس می‌توان پذیرفت که کمک به‌عنوان انتقال بین‌المللی منابع اصولاً یک جنبه از سیاست خارجی است. در رابطه با برخی کشورهای در حال توسعه، ممکن است کمک حتی عامل مرکزی سیاست خارجی باشد. (الهی، ۱۳۸۲: ۹)

کمک‌های مؤسسات بین‌المللی می‌تواند اهداف گوناگون داشته باشد:

۱. اهداف سیاسی (تأسیس پایگاه نظامی ادامه حیات کشور کمک‌کننده).
۲. اهداف اقتصادی (افزایش صادرات، اخذ مفاد قرضه، فروش کالاها به قیمت بلند، کشورهای که در سکتور زراعتی تولیدات مازاد دارند برای کشورهای فقیر معاونت می‌نمایند. این کمک‌های شامل گندم، حبوبات، تولید گوشت و غیره است که ۲۰٪ مجموعی معاونت‌ها را در کل شامل می‌شود).
۳. اهداف فرهنگی (در اینجا کمک‌ها بیشتر بالای تخصیص و ارتقای ظرفیت قوای بشری اختصاص می‌یابد. مثلاً برنامه حمایت از پوهنتون‌ها و غیره داشته باشد که نظر به زمان، اعصار، شرایط اقتصادی و دیگر عوامل، فرق می‌کند داشته باشد. (هابیل، ۱۳۹۶: ۱۸۰)

در کل می‌توان گفت هدف کمک‌های مؤسسات بین‌المللی در سکتور معارف، در شرایط کنونی رشد و به‌تعالی رسانیدن تعلیم و تربیه و همه‌شمول ساختن علم و دانش برای شاگردان، در سطح جامعه است. بدین‌وسیله با در نظر داشتن مطالب فوق و محدودیت منابع مالی، پرسنل ماهر و ضرورت شدیدی که افغانستان به توسعه تعلیم و تربیه دارد، کمک‌های مؤسسات بین‌المللی و خارجی اهمیت زیادی در

انکشاف معارف است. نقش کمک‌های مؤسسات بین‌المللی و کشورهای دوست، مخصوصاً در مرحله انکشافی که افغانستان قرار دارد، حائز اهمیت خاصی است. با این حال باید خاطر نشان ساخت که بنا بر مشکلاتی که در ارزیابی این گونه کمک‌ها وجود دارد تعیین صحیح اهمیت آن، آسان نیست. البته این ارزیابی برای مقاصد پلان‌گذاری وارده حتمی و مفید است؛ زیرا کشوری که آرزو دارد تا حتی الامکان متکی به منابع خود باشد، باید بداند تا چه اندازه به کمک‌ها اتکا دارد و چگونه از آن به وسیله استفاده از منابع داخلی تدریجاً می‌تواند خود را بی‌نیاز کند.

### ۱-۲. تاریخچه کمک‌های خارجی در افغانستان

اولین کمک‌ها به افغانستان توسط کمپانی هند غربی در سال ۱۸۵۷م. تهیه شد. در جریان جنگ سرد (۱۹۶۰م) کمک‌های ایالات متحده امریکا ۴۰٪ از بودجه ملی را تشکیل می‌داد. بعد از تجاوز روسیه (۱۹۷۹م) کمک‌های غربی قطع و افغانستان متکی به کمک‌های روسیه شد. از طرف دیگر کمک‌های ایالات متحده امریکا و کشورهای غربی در جریان جهاد آغاز گردید. بنابراین، در سال ۲۰۰۱:

- به اندازه ۵۵/۷۱۷ میلیون دلار تعهد شده

- به اندازه ۳۲ میلیون دلار به مصرف رسیده

- به اندازه ۲ میلیون دلار برای کمک‌های تکنیکی به مصرف رسیده

- افغانستان دومین بزرگ‌ترین کشور اخذ کننده کمک‌های خارجی شناخته شده

از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۹ کنگرس امریکا به مقدار ۱۷۲ بیلیون دلار را برای آزادی افغانستان تخصیص داده است که از جمله ۱۵۹ بیلیون دلار برای مصارف نیروهای امریکایی به مصرف رسیده است. ۱۸ بیلیون آن برای تقویت نیروهای امنیتی افغانستان به مصرف رسیده و فقط ۱۲ بیلیون دلار برای فعالیت‌های انکشافی از طریق کمک‌های مردم امریکا و دیگر دیپارتمنت‌ها، به مصرف رسیده است.

طبق مطالب فوق، کمک‌های خارجی در افغانستان را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد:

۱. کمک‌های خارجی قبل از یازدهم سپتامبر.



۲. کمک‌های خارجی بعد از یازدهم سپتامبر.

### ۱-۳. پیشینه تحقیق

به‌منظور اینکه محقق بتواند تحقیق خود را درست جهت دهد و با یافته‌های سایر تحقیقات انجام شده قبلی ارتباط دهد، باید با مراجعه به اسناد و مدارک پیرامون موضوع و مسئله، دانش و معلومات خود را گسترش دهد. پیشینه تحقیق عبارت از بازنگری و مرور آثار علمی و تحقیقی مربوط به موضوع تحقیق مورد نظر است که بر اساس آن محقق می‌تواند چارچوب مفهومی موضوع تحقیق خویش را اساس گذاری نماید. (رحمانی، ۱۳۹۷: ۲۳)

در مورد میزان و کارایی کمک‌های بین‌المللی در افغانستان، توسط دانشمندان و متصدیان مربوطه تا کنون تحقیقاتی انجام نشده است. تنها از آن در بعضی کتاب در محدوده چند ورق پیرامون کمک‌ها معلوماتی ذکر شد است. به‌طور مثال در کتاب نظریه‌های اقتصادی توسعه، نوشته دایان هانت تحت عنوان نقش کمک‌های خارجی در پارادایم ساختارگرا آمده است: «نزد اقتصاددانان که نگران کمبود مکرر و پرنوسان ارز در اقتصادهای ملی امریکا لاتین بودند، نقش اصلی کمک‌های خارجی، کاهش فشار وارده بر تراز پرداخت‌ها و متعاقباً فشار وارده بر قیمت‌های داخلی بود». (رامکی، ۱۳۹۷: ۱۷۰)

همچنین تحت عنوان «پیامدهای کمک‌های خارجی در الگوی نیازهای اساسی» در این کتاب آمده که کمک‌های خارجی دولتی می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در این تحولات نقش مهمی ایفا کنند. به‌طور مستقیم، از طریق تأمین وجوه طرح‌های جبرانی در روند اصلاحات ارضی و حمایت مالی در تأمین هزینه‌های محلی برای آموزش مجدد کارمندان لازم برای ارائه خدمات عمومی و توسعه نهادین و به‌طور غیرمستقیم از طریق تأمین بودجه و بهبود وضعیت تراز پرداخت‌ها در دوره‌های اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری که با تغییرات استراتژیکی مورد تأکید الگوی تأمین نیازهای اساسی پیوند دارند. (رامکی، ۱۳۹۷: ۳۱۹)

همچنین آمده است که کمک خارجی نیز موضوعی است که نئوکلاسیک‌ها

نظرات مختلفی درباره آن دارند. برخی از آنان نیز نظرات خود را طی زمان تغییر داده‌اند. شاید شدیدترین مخالفت با پرداخت کمک‌ها را که با وفاداری کامل به فلسفه کسب کار آزاد، بیان شده است بتوان برای اولین بار در نزد بائر در اواخر دهه ۱۹۶۰م. و در اوایل دهه ۱۹۷۰م. یافت. بائر ضمن اتخاذ موضعی مشابه به موضوع مخالفت با دخالت دولت در اقتصاد داخلی، با پرداخت کمک توسط دولت‌های خارجی، هر چند به دلایل متفاوت، مخالفت می‌ورزد. از جمله دلایل مخالفت کمک توسط دولت‌های خارجی این واقعیت است که جریان ورودی کمک‌های خارجی که اجتناب از انجام اصلاحات ضروری در کشور دریافت‌کننده را تداوم می‌بخشد، این باور را تقویت می‌کند که کشورهای ثروتمند باید مسئولیت اخلاقی توسعه‌نیافتگی کشورهای فقیر را بر عهده گیرند و سهم قابل ملاحظه‌ای از هزینه‌های کاهش آن را پردازند. (رامکی، ۱۳۹۷: ۳۵۴)

دانشمندان علم اقتصاد معتقدند که سرمایه‌ای کافی، مهم‌ترین شرط رشد اقتصادی یک کشور محسوب می‌گردد. همه کشورها به خصوص کشورهای روبه‌انکشاف، برای پیشبرد امور اقتصادی و اجتماعی به سرمایه ضرورت دارند. این سرمایه در شرایط کنونی ما که همه نهادهای اقتصادی به نحوی از انحا در اثر جنگ‌های طولانی خساره دیده است، به جز از جلب کمک‌های خارجی به خصوص کمک‌های مؤسسات مالی بین‌المللی، چون بانک جهانی و مؤسسات وابسته به آن، مؤسسات اختصاصی ملل متحد و بانک انکشاف آسیایی، صندوق وجهی بین‌المللی و غیره مؤسسات منطقه‌ای (سازمان ایکو) و مانند این‌ها، نمی‌تواند تمویل گردد. برای بیرون رفت از وضع فعلی کشور ما به جز حل مشکل تدارک سرمایه امکان دیگری وجود ندارد؛ زیرا اعمار زیربنا مستلزم سرمایه هنگفت بوده که منابع داخلی تکافوی آن را کرده نمی‌تواند. با جلب کمک‌ها نیازمندی‌های که در یک زمان طولانی از منابع داخلی رفع خواهد شد، اکنون رفع شده و پروسه بازسازی و انکشاف را تسریع می‌سازد. زمینه استخدام را برای نیروی کار انسانی که یکی از دشواری‌های شرایط کنونی است، مساعد کرده و باعث افزایش عواید خانواده‌ها، مؤسسات و دولت می‌گردد. همچنین زمینه استفاده



صحیح و اعظمی از ظرفیت‌های تولیدی موجود امکان‌پذیر شده و کشور می‌تواند از عواید به دست آمده برای تمویل بودجه عادی و غرض بلند بردن سطح زندگی مردم، استفاده نماید. (تزری، ۱۳۹۷: ۱۴۶)

بنابراین ایجاب می‌کند که این تحقیق روزنه‌ای باشد به سمت تحقیقات بعدی برای پویندگان راه علم و دانش تا قطره‌ای از علم را از دریا‌های بیکران برای زندگی بشریت به ارمغان بیاورند.

#### ۱-۴. روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش تحقیق اکتشافی تحلیلی استفاده شده است. در جمع‌آوری اطلاعات و معلومات از دیتای دست‌دوم (کتب، مقالات علمی، اسناد، و گزارش‌ها موجوده) و دیتای دست‌اول مشورت و مصاحبه با اساتید، صاحب‌نظران، متخصصان بخش یونسکو و مسئولین آمریت بودجه انکشافی وزارت معارف، کارمندان بانک جهانی در وزارت معارف و کارمندان بخش یونسف انجام و برای تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق از روش تجزیه و تحلیل کمی و کیفی استفاده شده است.

پس از اینکه محقق روش تحقیق خود را مشخص کرد و با استفاده از ابزارهای مناسب، داده‌های موردنیاز را برای آزمون فرضیه‌های خود جمع‌آوری کرد، اکنون نوبت آن است که با بهره‌گیری از فنون آماری مناسبی که با روش تحقیق و نوع متغیرها سازگاری داشته باشد، داده‌های جمع‌آوری شده را تجزیه و تحلیل نماید و درنهایت فرضیه‌هایی را که تا این مرحله او را در تحقیق هدایت کرده‌اند، در بوطه آزمایش قرار دهد و تکلیف آن‌ها را روشن کند و سرانجام بتواند پاسخی برای پرسشی که تحقیق تلاشی سیستماتیک برای به دست آوردن آن است، بیابد. (سرمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷۶)

اطلاعات میدانی به دست آمده از پرسشنامه‌ها، با استفاده از برنامه آماری SPSS تجزیه و تحلیل خواهد شد. برای تجزیه و تحلیل آمار توصیفی شامل ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان، از کردارها و جداول فراوانی استفاده خواهد شد. برای تجزیه و تحلیل آمار استنباطی مربوط به فرضیه‌های تحقیق از آزمون تی تک



نمونه‌ای<sup>۱</sup> استفاده صورت خواهد شد. لازم به ذکر است که آزمون تی تک نمونه برای بررسی تأثیر یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته در تحقیقات زیادی استفاده شده است. این آزمون با بررسی میزان انحراف معیاری، تفاوت میانگین و معناداری تأثیرگذاری متغیرها، نشان می‌دهد که تا چه اندازه یک متغیر از نظر پاسخ‌دهندگان بر متغیر دیگری تأثیرگذار بوده است. همچنین برای روشنی بیشتر آمار استنباطی، از کردارهای فراوانی نیز استفاده خواهد شد تا روشن سازد میزان موافقت و مخالفت پاسخ‌دهندگان با هریک از سؤالات پرسشنامه به چه اندازه بوده است.

### ۱-۵. ابزار جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های کتابخانه‌ای در این تحقیق از طریق فیش‌برداری و یادداشت‌برداری جمع‌آوری شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌های میدانی در این تحقیق، پرسشنامه است که توسط محقق تهیه شده است. پرسشنامه تحقیق، دارای سه بخش کلی است. بخش اول به اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان شامل جنسیت، حالت مدنی، سن، میزان تحصیلات و بست اداری پرداخته است. بخش دوم به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته است که شامل ۲۰ سؤال است و برای هر فرضیه فرعی جمعاً ۴ سؤال در نظر گرفته شده است. بخش سوم شامل ۵ سؤال است که به‌طورکلی به بررسی تأیید و رد فرضیه‌های تحقیق، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان پرداخته شده است. این بخش به شکل توصیفی تحلیل خواهد شد.

### ۲. تحلیل و تجزیه یافته‌های تحقیق

در این بخش به تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق در دو بخش داده‌های توصیفی و داده‌های استنباطی پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که برای تحلیل داده‌های توصیفی، از کردارها و برای تحلیل آمار استنباطی، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. از جمله ۲۵۵ پرسشنامه توزیع شده به عنوان نمونه آماری، همه آن‌ها بعد از خانه پری به محقق برگشت داده شده است که تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس آن‌ها صورت می‌گیرد.

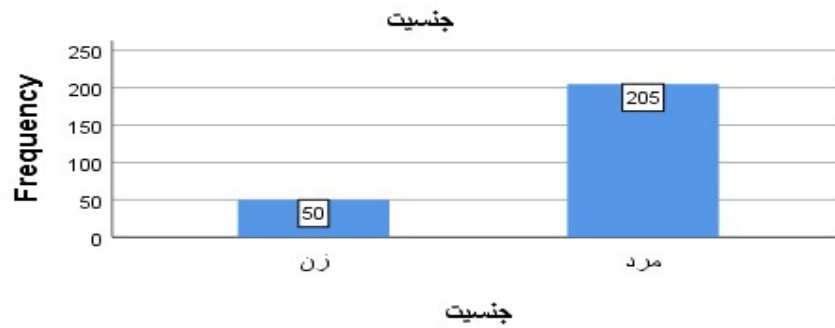
1. One Sample T-Test



### ۲-۱. تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی

داده‌های توصیفی این تحقیق شامل حالت مدنی، سن، میزان تحصیلات و بست اداری است که در ادامه به تشریح هر یک از موارد فوق‌الذکر می‌پردازیم. لازم به یادآوری است که برای نمایش تصویری این آمار از کردارها استفاده شده است.

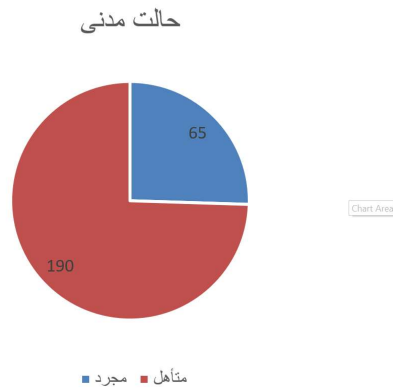
### ۲-۲. تجزیه و تحلیل آمار مربوط به جنسیت



کردار ۴-۱: آمار مربوط به جنسیت

طوری که در آمار فوق دیده می‌شود، از مجموع ۲۵۵ نفر پاسخ دهنده به پرسشنامه تحقیق، تعداد ۵۰ نفر آن‌ها را زنان و ۲۰۵ نفر آن‌ها را مردها تشکیل داده‌اند.

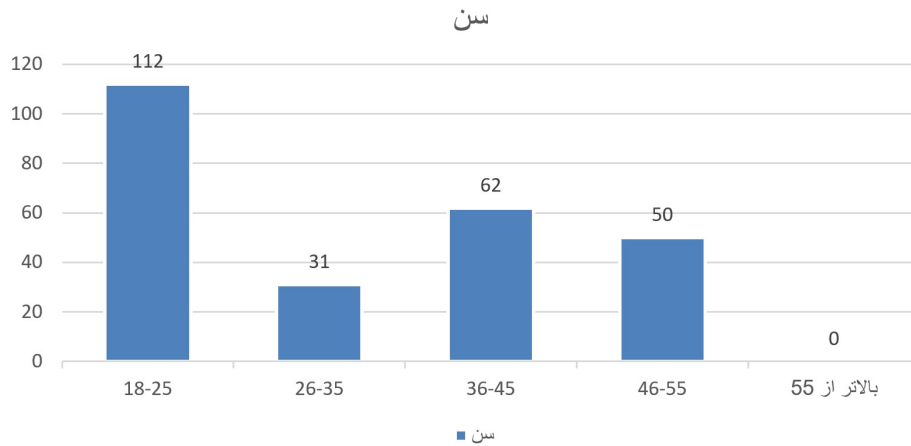
### ۲-۳. تجزیه و تحلیل آمار مربوط به حالت مدنی



کردار ۴-۲: آمار مربوط به حالت مدنی

طوری که به کردار فوق دیده می‌شود، از جمله ۲۵۵ نفر نمونه آماری این تحقیق، تعداد ۶۵ نفر آن‌ها را افراد مجرد و متباقی ۱۹۰ نفر دیگر را افراد متأهل تشکیل داده‌اند.

#### ۲-۴. تجزیه و تحلیل آمار مربوط به سن



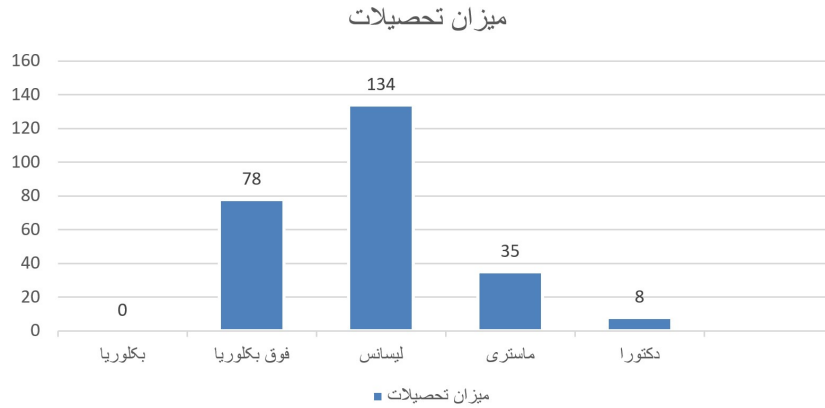
کردار ۳-۴: آمار مربوط به سن نمونه آماری

طوری که به کردار ۳-۴ دیده می‌شود، از جمله ۴۰ نفر نمونه آماری این تحقیق ۱۱۲ نفر آن‌ها شامل رده سنی ۱۸-۲۵ سال، ۳۱ نفر آن‌ها شامل رده سنی ۲۶-۳۵ سال، ۶۲ نفر آن‌ها شامل رده سنی ۳۶-۴۵ سال، ۵۰ نفر آن‌ها شامل رده سنی ۴۶-۵۵ سال بوده‌اند. لذا دیده می‌شود که هیچ‌کدام از افراد نمونه آماری، شامل سن بالاتر از ۵۵ سال نبوده‌اند.





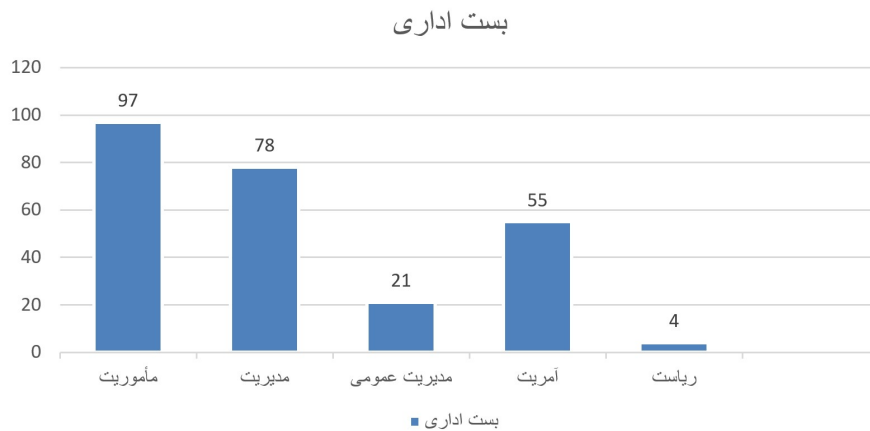
## ۲-۵. تجزیه و تحلیل آمار مربوط به میزان تحصیلات



کردار ۴-۴: آمار مربوط به میزان تحصیلات

کردار فوق نشان دهنده سطح تحصیل کارکنان وزارت معارف کشور است. از جمله ۲۵۵ نفر نمونه آماری این تحقیق، تعداد هیچ‌یک از آن‌ها دارای مدرک تحصیلی بکلوریا نبوده‌اند، ۷۸ نفر آن‌ها دارای مدرک فوق بکلوریا، ۱۳۴ نفر آن‌ها لیسانس، ۳۵ نفر آن‌ها مدرک تحصیلی ماستری و به تعداد ۸ نفر آن‌ها دارای مدرک تحصیلی دکترا بوده‌اند.

## ۲-۶. تجزیه و تحلیل آمار مربوط به بست اداری



کردار ۴-۵: آمار مربوط به بست اداری

طوری که به کردار فوق دیده می‌شود از جمله ۲۵۵ نفر نمونه آماری این تحقیق به تعداد ۹۷ نفر آن‌ها شامل بست ششم یا مأموریت بوده‌اند، ۷۸ نفر آن‌ها شامل بست پنجم یا مدیریت، ۲۱ نفر مربوط بست چهارم یا مدیریت عمومی، ۵۵ نفر آن‌ها آمربیت و ۴ نفر آن‌ها بست رتبه دوم یا ریاست بوده‌اند.

## ۷-۲. تجزیه و تحلیل آمار استنباطی تحقیق

در این بخش به تجزیه و تحلیل آمار به دست آمده از پرسشنامه تحقیق در قسمت متغیرهای تحقیق خواهیم پرداخت. هدف اصلی از تحلیل آمار استنباطی، آزمون فرضیه‌های تحقیق است که آیا تأیید می‌شود یا رد می‌گردد. لذا این بخش از تحقیق، بخشی بسیار حساس و مهم تلقی می‌شود؛ زیرا بر اساس این بخش است که محقق به ارائه نتایج تحقیق می‌پردازد. برای تحلیل آمار استنباطی همان‌طور که در قسمت‌های گذشته ذکر شد، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌نماییم. این واضح است که از این آزمون برای بررسی تأثیر یک متغیر بر متغیر دیگر در تحقیقات زیادی استفاده شده است و نتایج آن تحقیقات از اعتبار کافی برخوردار است. لازم به یادآوری است که این تحقیق از یک فرضیه اصلی و پنج فرضیه فرعی تشکیل شده است که در ادامه به تجزیه و تحلیل آمار فرضیه‌های فرعی و بعداً به تجزیه و تحلیل آمار فرضیه اصلی تحقیق می‌پردازیم.

## ۸-۲. تجزیه و تحلیل آمار مربوط به فرضیه فرعی اول

•  $H_0$ : به نظر می‌رسد که کمک‌های مالی نهادهای بین‌المللی، طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۷ انعطاف‌پذیری لازم را در قسمت رشد سکتور معارف کشور نداشته است.

•  $H_1$ : به نظر می‌رسد که کمک‌های مالی نهادهای بین‌المللی، طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۷ انعطاف‌پذیری لازم را در قسمت رشد سکتور معارف کشور داشته است.

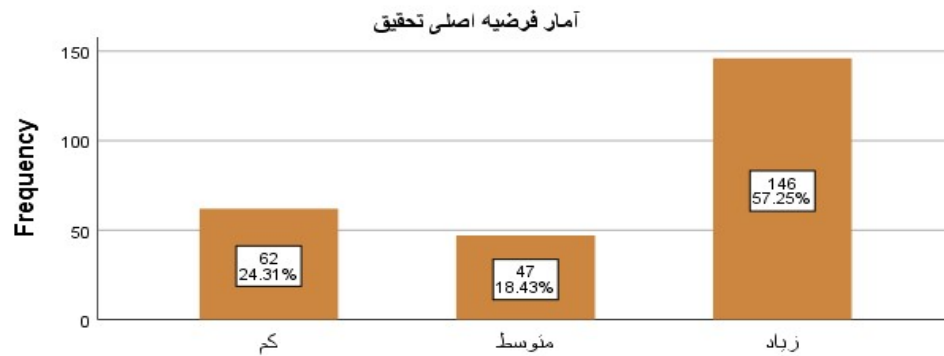
برای بررسی این فرضیه در پرسشنامه، تعداد ۴ سؤال جای داده شده است که در



ادامه به ارائه آمار به‌دست‌آمده برای هریک از سؤالات مربوطه با استفاده از آزمون تی تک نمونه پرداخته می‌شود.

سؤال اول: به نظر شما تا چه اندازه کمک‌های مؤسسات بین‌المللی، توانسته است در شرایط بحرانی به رشد سکتور معارف مفید واقع شود.

در ادامه به ارائه آمار توصیفی با استفاده از کردار فراوانی پرداخته می‌شود که نشان می‌دهد میزان توافق پاسخ‌دهندگان با فرضیه اصلی تحقیق تا چه اندازه بوده است.



#### کردار ۴-۶: آمار مربوط به فرضیه اصلی تحقیق

طوری که در کردار فوق دیده می‌شود از جمله ۲۵۵ نفر نمونه آماری این تحقیق به این سؤال که تا چه اندازه کمک‌های نهادهای مالی و مؤسسات بین‌المللی، در رشد سکتور معارف طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۷ کارایی نداشته‌اند، تعداد ۶۲ نفر پاسخ‌دهندگان یا ۲۴/۳۱٪ آن‌ها، گزینه کم را انتخاب کرده‌اند. از سوی دیگر تعداد ۴۷ نفر یا ۱۸/۴۳٪ آن‌ها، گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند و در نهایت تعداد ۱۴۶ نفر یا ۵۷/۲۵٪ آن‌ها، گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند. لازم به ذکر است که در بررسی توصیفی این فرضیه از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد استفاده شده است؛ اما برای این فرضیه کسی از نمونه آماری گزینه‌های خیلی کم و خیلی زیاد را انتخاب نکرده‌اند و تنها گزینه‌های کم، متوسط و زیاد از سوی آن‌ها انتخاب شده است. طوری که از آمار فوق نتیجه گرفته می‌شود، فیصدهای افرادی که گزینه

زیاد را انتخاب کرده‌اند بیشتر است و این به معنای موافقت آن‌ها با طرح این فرضیه است که به نظر می‌رسد کمک‌های مؤسسات بین‌المللی، در رشد سکتور معارف افغانستان کارایی کافی نداشته‌اند. بنابراین با توجه به آمار توصیفی فوق، فرضیه اصلی تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

## نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به دنبال بررسی کارایی کمک‌های نهادهای مالی بین‌المللی در سکتور معارف کشور طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۷ است. فرضیه اصلی این تحقیق بر این مبنا استوار است که به نظر می‌رسد که کمک‌های مالی نهادهای بین‌المللی، طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۷ در سکتور معارف کشور از کارایی کافی برخوردار نبوده است. برای بررسی این فرضیه از آزمون تی تک نمونه‌ای در نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل آمار در فصل چهارم حاکی از آن است که کمک‌های مالی نهادهای بین‌المللی، در رشد سکتور معارف آن‌طور که باید، کارایی کافی نداشته است. لذا فرضیه اصلی تحقیق تأیید می‌گردد. از سوی دیگر از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که تا چه اندازه کمک‌های مالی نهادهای بین‌المللی، در رشد سکتور معارف مؤثر نبوده‌اند، جواب اکثر پاسخ‌دهندگان به این پرسش گزینه زیاد بوده است. این جواب، حاکی از موافقت آن‌ها با این موضوع است که کمک‌های مالی نهادهای بین‌المللی در رشد سکتور معارف کشور کارایی کافی نداشته‌اند. از سوی دیگر شاید برای خواننده گرامی سؤال خلق شود که با توجه به اینکه از جمله پنج فرضیه فرعی تحقیق، چهار فرضیه آن رد شده است. پس چرا فرضیه اصلی تحقیق تأیید شده است؟ باید واضح شود که طریق طرح فرضیه اصلی با فرضیه فرعی متفاوت بوده است. به این معنا که رد فرضیه‌های فرعی به معنای تأیید فرضیه اصلی است و همین‌طور هم نتایج به دست آمده است. پس کدام نکته مبهمی در این زمینه نیست. با توجه به آنچه گفته شد، میانگین به دست آمده برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق، بیشتر از حد معیاری بوده است. بدین دلیل مورد تأیید



قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که کمک‌های مؤسسات بین‌المللی، در رشد سکتور معارف افغانستان طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۷ کارایی کافی نداشته‌اند.

### فهرست منابع

۱. الهی، همایون، (۱۳۸۲)، کمک‌های خارجی و توسعه‌نیافتگی، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
۲. الهی، همایون، (۱۳۸۰)، امپریالیسم و عقب‌ماندگی، تهران: نشر قومس.
۳. تزری، شیرعلی، (۱۳۹۷)، بازسازی عرصه‌های اقتصاد افغانستان، کابل: انتشارات سعید.
۴. عارف، عبدالقیوم، (۱۳۹۶)، اساسات امور مالی عامه، کابل: انتشارات یوسف زاده.
۵. لارسون، تامس، (۱۳۷۶)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، تلاش برای کسب قدرت و ثروت، (ترجمه: احمد ساعی، مهدی تقوی)، تهران: نشر قومس.
۶. هانس، ۱۳۸۶
۷. هاییل، ۱۳۹۶: ۱۸۰
۸. رحمانی، ۱۳۹۷: ۲۳
۹. رامکی، ۱۳۹۷: ۱۷۰
۱۰. سرمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷۶

